

## تاریخ نهضت های ملی ایرانیان

-۸-

### نهضت اجتماعی

چنانکه در سلسله مقالات سابق دیده ایم نهضت های ملی ایرانیان بسه وجه ظهور کرد: دینی، سیاسی، اجتماعی. در مقالاتی که گذشت کوشیده ام که دو نهضت دینی و سیاسی را باختصار بیسان کنم و اکنون باید در باب نهضت فکری یا اجتماعی و ادبی ملت ایران که اهمیت آن بهیچ روی کمتر از دو نهضت دیگر نبود و حتی اساس همه آنها شمرده میشد سخن گویم. ذکر این نکته نیز در اینجا لازم است که این نهضت سه گانه در تمام مدتی که نژاد ایرانی با نژاد عرب مبارزه میکرد بایکدیگر توأم بود و در عین حال از طریق نهضت فکری و اجتماعی اذهان برای مقابله با نژاد مهاجم و قیام سیاسی و نظامی برضد آنان آماده میشد لیکن ما بدلیل آنرا بعد از دو نهضت دیگر در این سلسله مقالات میآوریم.

نهضت فکری ایرانیان چنانکه از مطالعه در مقالات سابق ما برمیآید در حقیقت از همان سالهای نخستین فتح ایران آغاز شد. ملت ایران همواره غلبه عرب را حادثه ای اتفاقی تلقی میکرد و هیچگاه برای ملت عرب لیاقت حکومت و تسلط را نمی پذیرفت و چون خود قرنهای برهه ملل همجوار و خاصه بر قوم عرب حکومت میکرد اطاعت از آن قوم را سخت ناگوار و مکروه میشمرد و بعدها نیز که دین حنیف اسلام در میان ایرانیان ریشه گرفت همواره سعی کرد با جدا کردن اسلام از قوم عرب فکر قدیم خود را که مخالفت با قوم عربست، دنبال کند.

کدورت باطنی میان ملت های ایران و عرب روز بروز شدیدتر میشد و هر چه بر تاریخ امپراطوری عرب میگذشت این دودستگی و اختلاف ملی بیشتر میگردد. و هر دو طرف دائماً بایکدیگر در مجادله و مناقشه لفظی و فکری و



رتال جامع علوم انسانی  
 اعلیٰ حضرت ہم ایون شاہنشاہ . در مراسم افتتاح دانشگاه جنگ



اجتماعی بسر میبردند. این مجادله عظیم بوجوه مختلفی ظهور کرد و در همه احوال غرور عرب که از فتوح و پیروزیهای پیاپی پدید آمده بود بر آتش این مجادله دامن زد و سیاست غلط بنی امیه آنرا قوت داد و کار را از مجادلات فکری و اجتماعی به محاربات سیاسی و نظامی منجر ساخت. در دوره بنی امیه بعضی از ایرانیان خواستند از طریق شعر و بیان شروع بذکر مفاخر ملی خود کنند و نژاد ایرانی را از این راه تحریک نمایند اما باتعصب شدید بنی امیه و گروه بزرگی از عمال آنان مواجه گردیدند و بهمین سبب غریزه عمومی و عجیب نژاد ایرانی یعنی حمله غیر مستقیم بخصم و ایجاد وسایل غیر مرئی برای شکست او بکار افتاد و جنگ را بصورت مخفی ادامه داد و چون آتشی در زیر خاکستر وسعت بخشید.

معروفست که مادر اسمعیل بن یسار شاعر معروف ایرانی که ترجمه اشعار او را قبلا آورده ام هر روز صبح بجای حمد و تسبیح، مروان و آل مروان را که دومین دسته از خلفای بنی امیه اند لعن میکرد و پدرش در موقع موت بجای بیان کلمه توحید (لا اله الا الله) میگفت لعنت خدای بر مروان باد؛ عامه ایرانیان و اشراف ایشان همه نظیر این کینه و حقد را نسبت بفرد فرد عرب غیر از صلحای این قوم که جملگی از بزرگان مذهب ما هستند داشتند. یکی از شعرای عرب یعنی نصر بن سیار که در آخر دوره بنی امیه حاکم خراسان بود درباره ایرانیان اینگونه فکر کرده و بقوم عرب خطاب نهوده است:

شمارا چه شده است که بایکدیگر بجهنگ برخاسته اید؟

چنانکه گوئی اهل خرد از رای شما دورند!

دشمنانی را بحال خود میگذارید تا بر شما مسلط شوند، در حالی که نه دینی دارند و نه حسبی!

و در روز گاران پیشین آئینی داشتند که من چیزی از آن از پیغامبر نشنیده ام و در کتب هم نیامده است.

و اگر کسی از اصل دین آنان بپرسد

دین آنان آنست که عرب را باید کشت!

متفکرین دیگر قوم عرب نیز نسبت بسایرانیان این فکر را داشتند و همینگونه بدین و آئین و حسب و نسب آنان دشنام میدادند.

وقتی بتفصیلی که دیده‌ایم ایرانیان بر بنی امیه غلبه یافتند و سیاست عربی محض را نابود ساختند و دولت اسلامی متمایل بعنصر پارس ایجاد کردند، باز این نزاع فکری و اجتماعی و کشمکش پنهان نژادی از میان نرفت و همچنان باقی بود بلکه ایرانیان که از حملات فکری و ادبی خود در دوره سخت بنی‌امیه بنتایجی رسیده بودند تصمیم گرفتند که در دوره بنی‌عباس که برای آنان دوره آزادی محسوب میشد بر حملات فکری و ادبی و اجتماعی خود بر عرب شدت دهند و اتفاقاً بعضی از غدرها و مکرهای خلفای بنی‌عباس بنحوی که دیدیم بر آتش این مجادله عظیم دامن زد و آنرا شدیدتر و شعله ورتر ساخت. اعرابیان نیز دست از نزاع خود با نژاد ایرانی برنمیداشتند و حتی در عین شکست هم ایرانیان را تحقیر میکردند. یکی از داستانهای این کشمکش دائمی مناقشه و مجادله‌ای بود که بین ابودلف عجللی یکی از سرداران عربی نژاد معتصم، و افشین سردار بزرگ ایرانی بوجود داشت. ابودلف از قبیله نزار و از مشاخر عرب در شجاعت و کرامت و شاهر دوستی و اندیشه نوازی و سخن گوئی بود و افشین از شاهزادگان ایرانی اشروسنه (۱) و از معاریف نژاد ایرانی و سرداری لایق و جنگاور. قدرت افشین در دربار خلیفه عباسی از باب نفوذی بود که ایرانیان بجملمگی داشتند و او بر این نفوذ نژادی نفوذ شخصی را هم افزوده بود او همواره میگفت هر گاه بر عرب غلبه یابم سرزمینهای بزرگانشان را با گرز خرد خواهم ساخت! اما نفوذ ابودلف عجللی اولاً از حیث هم‌نژادی بسا خلیفه و ثانیاً از جهت شجاعت ذاتی و ثالثاً بسبب سیادتی بود که در میان قوم عرب داشت. این دو نماینده دو نژاد متخصص در دربار خلیفه المعتصم علی‌الله در برابر یکدیگر قرار گرفته بودند و کار آنان از نزاع باطنی و کارشکنی و خلاف بمبارزه جدی ظاهری کشیده بود. افشین از بابت غلبه و نفوذی که بر معتصم داشت با آسانی توانست از خلیفه اجازه قتل ابودلف را تحصیل کند آنگاه سردار

شجاع عرب را بازداشت و بغل و زنجیر کشید و برنطع (۱) نشانده و دشنامها داد و چندان نمانده بود که بدرخیم فرمان قتل او را دهد که احمد بن ابی دواد قاضی مأمون و معتصم و یکی از بزرگان عربی نژاد از موقوف آگهی یافت و برای نجات هم‌نژاد خویش بتکاپو افتاد و بزحمت بسیار ابودلف را از چنگ افشین رهانید. داستان این دوسردار بتمامی در کتاب تاریخ ابوالفضل بیهقی آمده است (۲) و میتوان در آنجا دید که ابی دواد عرب و معتصم عباسی چگونه افشین ایرانی را با کلماتی از قبیل «سک ناخویشتن شناس نیم کافر» (۳) و «مردار نیم کافر» (۴) و «پلید» (۵) نام میبردند و در پایان همین حکایت معتصم بافشین چنین میگوید: «لکن هر کسی آن کند که از اصل و گوهری و سزد و عجم عرب را چون دوست دارد با آنچه بدیشان رسیده است از شمشیر و نیزه ایشان؟» (۶) همین افشین را نیز تعصب و تقار میان نژاد عربی و ایرانی بکشتن داد و ما اگر فرصت بایم باید در باب این سردار بزرگ ایرانی و مقاصد او نیز مقاله‌ای ترتیب دهیم.

نمونه‌ای دیگر از منازعه و کشمکش سخت عرب و ایرانیان را میتوان با توجه بگفتار دو شاعر یکی ایرانی و دیگری عرب دریافت.

عبداله پسر طاهر ذوالیمینین سردار بزرگ مأمون و کشنده امین و ضعیف کننده سیاست عربی، در مفاخرت بخود و پدر و نژاد خویش چنین گفته است:

من کسی هستم که نژاد مرا *علم النبال و مطالعات تاریخی*  
 نیاکان من سفید رویان *بزرگوارانند*  
 و پدر من کسی است که هم‌نمایی ندارد  
 کیست که در مجد با او برابر شود؟

- ۱ - پوست باره‌ای که محکوم بقتل را بر آن می‌نشانند تا بکشند.
- ۲ - چاپ آقای دکتر غنی ود کتر فیاض ص ۱۷۲ - ۱۷۸
- ۳ - ایضاً ص ۱۷۳
- ۴ - ایضاً ص ۱۷۵
- ۵ - ایضاً ص ۱۷۷
- ۶ - ایضاً ص ۱۷۷

بسینه آن مخلوع<sup>(۱)</sup> بنگر  
 که بردور او دلیران گرد آمده اند  
 وی بخاک اقتاد وزمین خوابگاه او ست  
 غول ملک ویرا از او ربود  
 پدرم بسوی آن بت لشگری کشید  
 که پهنا و درازای زمین بر آن تنگ شد  
 سپاهی که موطن آنان خراسان بود  
 چون شیرانی که در بیشه باشند ...  
 چون این اشعار به محمد بن یزید اموی که از اعرابیان اصیل بود رسید  
 سخت خشمناک شد خاصه از این باب که یک ایرانی بکشتن پادشاهی از عرب  
 افتخار میکند. پس قصیده‌ای بهمان وزن و قافیه در جواب او سرود:

آن گفتارها ترا نترساند  
 هر چه شنیده‌ای عین کمراهی است!  
 ای پسر آتشکده و برافروزنده آن  
 پیر و قوی شلوار<sup>(۲)</sup> است!  
 حسین<sup>(۳)</sup> کیست؟ پدر تو کیست؟  
 مصعب<sup>(۴)</sup> کیست؟ کاش به بلا گرفتار شوید!  
 نسب شما در فخر مخلوط است  
 و پدران تو از اراذل بودند.  
 یکی دیگر از ایرانیان گفته است:  
 بزرگان سپید روی از سلانه فارسند

هنگامیکه نسب آنان معلوم شود، نه از طوایف عربینه و عکلی<sup>(۵)</sup>  
 آنان رام کنندگان دنیا و مهتران دنیا بودند

- ۱ - مراد از مخلوع امین برادر مامون است که به دست طاهر از خلافت خلع و کشته شد.
- ۲ - در اصطلاح عربی بی شلوار یعنی پست و فرومایه و این نوعی دشنام است.
- ۳ - پدر طاهر.
- ۴ - جد عبدالله.
- ۵ - دو طایفه از طوایف عرب





در جشن سالانه نیروی هوایی اعلی حضرت همایون شاهنشاه گزارش  
معاون نیرو را استماع میفرمایند





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

اگر تفاخر کنند، نهرام کنندگان گوسپند و شتر!  
 و یکی از تازیان در پاسخ او گفت:  
 مغرور مشو که از اهل ایران هستی  
 و در مرکز پادشاهی و دیوان آن قرارداری  
 اگر کسری (انوشیروان) اینگونه از خود سخن گوید  
 در میان ایوان او بر سرش میزنم!

اینها نمونه‌هایی از افکار دو طرف متخصص است که مدت‌های مدید بایکدیگر  
 مشغول کشمکش و منازعه فکری و ادبی بودند و اگر چه این منازعه فکری  
 ظاهراً اثری نداشت و در دایره گفتار محصور بود اما حتماً باید این کشمکش  
 های فکری را محرک سرداران بزرگ مادر قیام‌های مردانه آنان دانست.

مهمترین دسته از میان ایرانیان که با نظرهای خاص و روش معین و نقشه  
 های فکری و ادبی دقیق به مبارزه با قوم عرب مشغول بود فرقه معروف به شعوبیه  
 است و ما از شماره آینده در باب آن سخن خواهیم گفت.

پیشگامان نهضت ملی ایران  
 رتال بن موسی انسانی